

چطور حماس- طالبان از نفوذ رو به تزاید روسیه و چین مستفید میشوند



ترجمه: میر عبدالرحیم عزیز

در لحظاتی که نبرد در غزه بین اسرائیل و حماس بدون هیچ پایانی در افق ادامه دارد، رقابت رو به افزایش قدرت های بزرگ بطور فزاینده ای به چند گروه شبه نظامی مسلح غیردولتی فضائی داده است که میتوانند از آن بهره برداری نمایند. ممکن است شکاف جیوپولیتیک بین ایالات متحده و متحدان غربی آن از یک سو و روسیه و چین از سوی دیگر در حال گسترش باشد که برای بسیاری نگران کننده است. اما برای گروه های مانند حماس و طالبان افغانستان، این یک فرصت است.

نظم جهانی بعد از جنگ جهانی دوم

فروپاشی آرام نظم جهانی بعد از جنگ جهانی دوم فضای کافی را در اختیار گروه های مسلح غیردولتی قرار داده است تا نه تنها اهداف سیاسی و ایدئولوژیک خود را احیا کنند، بلکه در چارچوب نهاد های بیشتری مانند سازمان ملل و همچنان شاخه آن شورای امنیت دسترسی پیدا نمایند. گزارش های اخیر در قسمتی از رسانه های منطقه ئی غرب آسیا حاکی از آن است که دیداری بین اسماعیل هنیه، رهبر دفتر سیاسی حماس و کائو شیائولین، سفیر چین در قطر در دوحه برگزار شده است. طبق گزارش ها، هنیه از نقش و موضع چین در سازمان ملل در مورد جنگ جاری در غزه و در دفاع از آرمان فلسطین قدردانی نموده و در عین حال بر کمک های بشردوستانه بیجینگ تاکید کرد. در حین زمان، روسیه اخیراً میزبان گروه های فلسطینی بود که شامل نمایندگانی از حماس و جهاد اسلامی فلسطین میشد. سرچی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، در حاشیه این دیدار، حمایت کشورش را از سازمان متحد

آزادیبخش فلسطین تکرار کرد، تلاشی که باعث می‌شود حماس با فتح، جنبش فلسطینی که بر سر اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک با آن مبارزه کرده است، همکاری کند. معهدا، در اینجا سوال چندان دربارہ حماس نیست، بلکه هدف و نقش روسیه است، با توجه به اینکه این اولین باری نیست که مسکو از اکتبر ۲۰۲۳ میزبان گروه های فلسطینی شده است

روسیه و چین می خواهند روایات جدیدی را ایجاد نمایند

از آنجائی که مذاکرات به رهبری ایالات متحده در رسیدن به آتش بس در غزه شکست خورده است و تلفات غیرنظامیان به سرعت در حال افزایش است، برای روسیه و چین، این زمان مناسبی است تا روایات را در داخل و اطراف نقشه های قدرت و امنیت جهانی غرب و به طور خاص به رهبری ایالات متحده خلق نمایند. هم پکن و هم مسکو روابط خوبی با کشورهایمانند ایران، حامی اصلی حماس، و قطر که میزبان دفتر سیاسی حماس است و گزینه های میانجیگری را ارائه می کنند، دارند. همه اینها با تمایل عمیق دولت های با قدرت متوسط برای ترسیم استقلال ستراتیژیک خود و عدم جانبداری از اردوگاه ها یا اتحادیه های جیوپولیتیکی خاص برجسته می شود. این در مراحل اولیه جنگ اوکراین نیز مشاهده شد، زمانی که متحدان دیرینه ایالات متحده در غرب آسیا در رأی دادن علیه روسیه در سازمان ملل تردید داشتند.

این فقط حماس نیست که از این سود می برد. طالبان که اکنون نزدیک به سه سال است در افغانستان قدرت را در دست دارند، همچنین از هر گونه طرز دید غالب مبنی بر اینکه این کشور "منزوی" و گوشه نشین است، دوری می جوید. مولوی عبدالکبیر، معاون صدراعظم طالبان در امور سیاسی، در مراسم فارغ التحصیلی محصلان دینی در کابل، تاکید کرد که امارت اسلامی در "تعامل عملی" با جهان است و نه در انزوا. این به موازات گفتار ندا محمد ندیم، سرپرست وزارت تعلیمات عالی بود که گفت علماء مسئولیت حفظ نظام اسلامی را دارند. هر دوی این موقف را میتوان به عنوان رد خواسته های غرب توسط طالبان- و به رهبری سازمان ملل - در مورد مسائلی مانند تعلیم و تربیه و حقوق زنان دانست. این گروه چند هفته قبل در کنفرانس سازمان ملل در قطر درباره آینده افغانستان شرکت نکرد.

افغانستان تحت رهبری طالبان دیگر یک کشور منزوی نیست

طالبان در واقع با اکثر همسایگان منطقه ئی خود از جمله هند در تماس است. روسیه، علیرغم نگرانی های صریح خود از این گروه، فرمت مسکو را پیش برده و بر مبنای ضرورت روز با آنها معامله می کند. چین پا را فراتر گذاشته و شی جین پینگ شخصاً اعتبار نامه سفیر جدید طالبان در بیجینگ را در ماه جنوری پذیرفت. چین امروز بزرگترین شریک اقتصادی و حامی سیاسی افغانستان است.

در میان یک روایت قاطع "ما در برابر آنها (غرب)" روسیه و چین هر دو ارزیابی های مجدد خطر را در مورد جغرافیه و مسائل در حال تغییر انجام داده اند. در مقایسه، ۱۱ سپتمبر توسط روسیه حداقل به عنوان فرصتی برای ایجاد پل با ایالات متحده تلقی گردید. در افغانستان، کرملین در آن زمان موضوعات استخباراتی و حتی لوجیستیکی علیه القاعده را در مراحل اولیه کارزار نظامی با دیگران شریک ساخته بود.

دوستی های سیال

در نهایت، هم روسیه و هم چین خروج اردوی امریکا از منطقه اورسیا را یک پیروزی ستراتیژیک بزرگتر برای منافع فردی و جمعی خود می دانند، علیرغم اینکه اغلب نظرات متضاد در مورد رژیم طالبان دارند. همین مسیر را میتوان در غرب آسیا مشاهده کرد. محقق یون سون اخیراً گفت که هدف چین بی جا ساختن و نه لزوماً، جایگزین شدن، سلطه ایالات متحده است و منافع روسیه نیز با پکن در ارتباط است.

در میان نسخه کاتیلیان (مشاور چندراگوپتا) در مورد نظریه آشوب، بازیگرانی که در حاشیه روابط بین الملل به عنوان تهدید های امنیتی رشد کرده و زنده مانده اند، اکنون ممکن است این را بیابند که میکروفون، چوکی و شهرت در اختیارشان قرار می گیرد.

